



شرکت ملی نفت ایران
مدیریت برنامه ریزی تلفیقی

جایگاه تحلیل های تکنیکی در بازار نفت خام و پیش بینی قیمت‌ها

تهیه و تنظیم: زهرا جلیوند

مقدمه:

پیش بینی قیمت در بازار نفت خام از روشهای مختلفی صورت می گیرد و کارشناسان و مؤسسات اقتصادی بسیاری بر این کار اهتمام می ورزند. بررسیها نشان می دهد که به طور کلی می توان روشهای پیش بینی قیمت نفت خام را در دو دسته تقسیم نمود که عبارتند از:

۱- استفاده از تحلیلهای تکنیکی بر اساس بررسیهای آماری و چگونگی همبستگی

میان داده های تاریخی

۲- استفاده از تحلیلهای بنیادی و تئوریهای اقتصادی و چشم انداز عرضه و تقاضا در

آینده

بنابراین همانگونه که ملاحظه می شود تحلیلهای تکنیکی یکی از روشهای برآورد قیمت های نفت خام هستند که با استفاده از نمودار روند قیمتها در بازه های مختلف زمانی، در پیش بینی قیمت های نفت خام مورد استفاده قرار می گیرند. در ادامه هر یک از روشهای یاد شده و مزایا و معایب آنها به طور خلاصه مورد بررسی قرار خواهند گرفت.

تاریخچه شکل گیری تحلیلهای تکنیکی در بازار نفت خام

تا اوایل دهه ۱۹۷۰ شرکت های بزرگ نفتی حدود ۸۰ درصد صنعت نفت جهان را از مرحله اکتشاف و تولید نفت خام تا پالایش و توزیع فرآورده در خرده فروشیها به عهده داشتند و فقط ۵ درصد از تولید نفت جهان در بازارها معامله می شد. (درخشان) در واقع قیمت های جهانی نفت خام تا اوایل این دهه از ثبات نسبی برخوردار بود. در اوایل دهه ۱۹۷۰، قیمت نفت خام به بشکه ای حدود ۱/۷۶ دلار رسید. وقوع شوک اول نفتی در سال ۱۹۷۳ در پی جنگ اعراب و اسرائیل زمینه افزایش شدید قیمت های نفت (به حدود بشکه ای ۹ دلار) را فراهم نمود. البته باید توجه شود که افزایش قیمت یاد شده برای افزایش سرمایه گذاری در حوزه های اکتشاف و تولید در مناطق غیر اوپک (به ویژه دریای شمال) ضروری بود. در واقع این برای اولین بار بود که قیمت های نفت خام در لوای مسائل ژئوپلیتیک تا حدی افزایش یافت که تأمین کننده نیازهای سرمایه گذاری برای توسعه صنعت نفت جهان باشد. شوک دوم نفتی هم همزمان با انقلاب ایران و حمله عراق به ایران اتفاق افتاد و قیمت های نفت را با افزایش شدید مواجه نمود.

وقوع شوک های مزبور به همراه موج شدید ملی شدن صنایع نفت در دهه ۱۹۶۰ موجب شد که بخش بزرگی از تولید نفت خام از دامنه نفوذ شرکت های بزرگ نفتی خارج شود و این عوامل به نوعی موجب کاهش عرضه نفت خام در این دو مقطع شد که این موضوع به نوبه خود زمینه افزایش معاملات در بازارهای اسپات را که خارج از کنترل شرکت های بزرگ نفتی بود، فراهم نمود. با ملی شدن صنایع بالادستی، شرکت های نفتی مجبور شدند نفت خام مورد نیاز خود را مستقیماً از کشورهای تولید کننده خریداری کنند و بدین ترتیب بود که این شرکتها وارد بازار معاملات نفت شدند و در نتیجه این امر، بازار عهده دار تعیین قیمت های جهانی نفت خام شد.

نوسانات شدید قیمت نفت و خطرات مالی ناشی از آن و نیاز مبرم شرکت های تولیدکننده نفت خام و پالایشگرها به پوشش ریسک موجب پیدایش بازار آتی ها و بورس های نفتی شد. البته باید توجه شود که تغییرپذیری قیمت نفت خام همواره در طول حیات صنعت نفت (به غیر از دو دهه ۱۹۵۰ و

۱۹۶۰ که شرکتهای بزرگ نفتی موسوم به هفت خواهران قیمت‌های نفت خام را تحت کنترل خود داشتند) وجود داشته است اما تا قبل از ظهور بازارهای بورس نفتی این تغییرات بیشتر به صورت بلند مدت و سالانه بوده اند (کتاب بازارها و قیمت‌های نفت) و در واقع تغییر پذیری روزانه و بیش از حد تصور قیمت‌ها پدیده‌ای است که با پیدایش بورس بازي در صنعت نفت ایجاد شد. در واقع از آن پس بود که بازارهای کاغذی نفت خام به یکی از بازیگران اصلی در عرصه قیمت‌گذاری نفت خام تبدیل شد. پس از ظهور بازارهای بورس نفتی، معاملات نفتی از معاملات فیزیکی ساده به معاملات پیچیده مالی تبدیل شد به گونه ای که سرمایه گذاران زیادی که اساساً ارتباطی با نفت ندارند مانند بانکها، سازمانهای مدیریت وجوه و سفته بازان به سرمایه گذاری در بازارهای نفت روی آوردند تا از ویژگی نوسان پذیری شدید قیمت نفت خام سود ببرند. (درخشان) بنابراین ملاحظه می شود که اولین تغییر ساختاری عمده در بازار نفت خام در اوائل دهه ۱۹۸۰ رخ داد و شاید در آن زمان کمتر کسی پیش بینی می کرد که بازار جدید ایجاد شده در دل بازار جهانی نفت خام تا این حد، سکان هدایت بازار و قیمت‌های نفت خام را در دست گیرد.

تحلیل های تکنیکی

تحلیل تکنیکال یکی از روشهای پایه ای در تصمیم گیریهای سرمایه گذاری در بازار سهام است. به بیان ساده تحلیل تکنیکال عبارت از مطالعه رفتار قیمت‌ها از طریق ابزار نموداری با هدف پیش بینی آینده روند قیمت ها برای انجام سرمایه گذاریهای بهتر است. اصولاً رفتار بازار دربردارنده قیمت‌ها، حجم معاملات و بهره های باز هستند. (کتاب جان مورفی)

منشاء اولیه پیدایش این نوع تحلیل برگرفته از تئوری داو "Dow Theory" است که در حدود سال ۱۹۰۰ توسط چارلز داو مطرح شد. طبق این تئوری همه اطلاعات مربوط به بازار و عرضه و تقاضا در قیمت ها و روند آنها مستتر است. (کتاب تحلیل تکنیکال) در واقع مبنای تحلیلهای تکنیکی به نوعی همان عوامل بنیادی (عرضه و تقاضا) هستند و به عبارتی نمودار قیمت‌ها هرگز به تنهایی علت بالا یا پائین آمدن قیمت نیستند و آنها تنها نشان دهنده میزان تأثیرگذاری عوامل بنیادین بازار هستند.

باید توجه شود که تحلیلگر تکنیکی به عوامل مؤثر بر تغییرات قیمت و روند حرکتی آن توجهی ندارد بلکه او توانایی شناسایی به موقع این تغییرات و میزان پایداری آنها را با کمک نمودارها دارد. تحلیلگر تکنیکال عقیده دارد که تغییرات قیمت تنها چیزی است که او نیاز دارد، بداند و دانستن علت این تغییرات، لازم نیست ولی تحلیلگر بنیادی همواره به علتها و دلایل تغییر می پردازد. در واقع بررسی نمودار و تحلیل تکنیکال راه میانبری است به بررسی عوامل بنیادین که البته عکس این گفته صحیح نیست. (جان مورفی)

به طور کلی تحلیل تکنیکال بر مبنای شناسایی الگوهای رفتاری قیمت و تکرار آنها استوار است. به عبارتی همانطور که ذکر شد باور حاکم بر این تحلیل این است که قیمت، برآیند تمام عوامل مؤثر بر عرضه و تقاضا و تعامل آنها است. بنابراین تحلیل تکنیکال بر سه اصل زیر استوار است:

- ✓ همه اطلاعات در قیمت مستتر است. (بدین معنا که هر آنچه که بر قیمت تأثیر گذار است نظیر عوامل عرضه و تقاضا، عوامل سیاسی و روانی و ... در قیمت لحاظ شده است.)
- ✓ قیمت ها بر اساس روند حرکت می کنند. (این اصل بر این موضوع تأکید دارد که قیمت‌ها تمایل به حفظ روند فعلی خود دارند تا زمانی که عوامل بازدارنده ای، حرکت آنها را متوقف کند.)
- ✓ تاریخ تکرار می شود. (بر این اصل استوار است که آینده چیزی جز تکرار گذشته نیست.)

بنابراین در تحلیل تکنیکال از روند گذشته قیمت‌ها برای پیش بینی قیمت در آینده در بازه های زمانی مختلف استفاده می شود. باید توجه شود که تحلیل تکنیکال شامل زمان خاصی نمی شود و این به روش کار معامله گر بستگی دارد که در چه بازه ای به تحلیل بپردازد. تحلیلگر تکنیکی با تعیین بازه زمانی مورد نظرش این را مشخص می کند که قصد پیش بینی برای چه مدت زمانی را دارد. برای پیش بینی قیمت در بلندمدت از نمودارهای هفتگی، ماهیانه و یا سالیانه استفاده می شود. نکته مهم در تحلیل تکنیکال این است که تحلیلگر توانایی تشخیص زمان ورود و خروج به بازار را داشته باشد.

خاطر نشان می سازد که تحلیلهای تکنیکی در طول زمان توسعه یافته و از تحلیل ساده خطوط روند به تکنیکهای پیشرفته تری نظیر خطوط میانگین متحرک، اسیلاتورها، تئوری امواج الیوت، نمودار نقطه و رقم، چرخه ها و ... گسترده شده است.

مشکلات تحلیل نموداری:

- ✓ تحلیل نمودارها فرآیندی ذهنی است و از اینرو آزمون صحت آن کار ساده ای نیست و به همین دلیل است که تحلیل نمودارها را نمی توان به کامپیوترها واگذار کرد و اختارهای خرید و فروش را از کامپیوتر دریافت کرد.
- ✓ ممکن است دو تحلیل گر تکنیکی در مورد نوع نمودار (اینکه به عنوان مثال مثلثی است یا کنج) اختلاف نظر داشته باشند و یا اینکه در خصوص کاهش یا افزایشی بودن الگوی حجم توافق نداشته باشند.

قابل ذکر است که مشکلات یاد شده با استفاده از روشهای دیگر تحلیل تکنیکال نظیر استفاده از شاخص میانگین متحرک و نمودار آن رفع شده اند. البته شاخص میانگین متحرک هم مشکلات خاص خود را دارد که از آن جمله می توان به موارد زیر اشاره نمود:

معایب میانگین متحرک :

- ✓ از میانگین متحرک نمی توان همانند ابزارهایی که در تحلیل نمودارها به کار می روند برای پیش بینی حرکات قیمت استفاده کرد. در واقع میانگین متحرک ابزارهای دنباله رو اطلاعات می باشند و به هیچ عنوان هدایت کننده نیستند و

از آنها نمی توان برای جلوگیری از بازار استفاده کرد. میانگین متحرک قیمت ها را تعقیب می کند و درباره شروع روند به ما اطلاع می دهد.

- ✓ میانگین های متحرک دارای تأخیر زمانی نسبت به عملکرد بازار هستند. البته با کم کردن دوره زمانی میانگین، این تأخیر زمانی کاهش می یابد ولی هیچگاه حذف نمی شود. به عبارتی هر چه میانگین متحرک برای دوره کوتاهتری محاسبه شود، حساسیت بیشتری نسبت به تغییرات قیمت دارد.
- ✓ چنانچه از فاصله زمانی خیلی کوتاه استفاده شود (۵ یا ۱۰ روزه) میانگین متحرک فاصله کمی با قیمت دارد و این دو نمودار به دفعات با یکدیگر برخورد می کنند و این موضوع امکان افزایش معاملات را پدید می آورد و نیز ممکن است اختلالاتی نادرست زیادی صادر شود. بنابراین چالش اصلی در مورد شاخص میانگین متحرک یافتن میانگینی است که حساسیت آن در حدی باشد که بتواند اختلالاتی به موقعی صادر کند و در عین حال به دلیل حساسیت زیاد در برابر تغییرات تصادفی، اختلالاتی اشتباه صادر نکند. بنابراین بهتر است از دو میانگین متحرک استفاده شود.

مزایای تحلیل نموداری:

- ✓ سادگی این روش با توجه به استفاده صرف از نمودار روند زمانی قیمتها بدون توجه به عوامل مؤثر بر شکل گیری این روند
- ✓ در دسترس، مجانی و فراوان بودن اطلاعات مربوط به روند قیمتها در بازار سهام و بورس
- ✓ شفافیت اطلاعات مربوط به حجم معاملات
- ✓ وجود نرم افزارهای آماری متعدد برای انجام تحلیلهای تکنیکی

تحلیل تکنیکال و پیش بینی قیمت نفت

استفاده از تحلیل تکنیکال در پیش بینی قیمت نفت خام نیز از همان قواعد مرسوم سایر بازارهای بورس کالا تبعیت می کند. بدین معنا که تحلیلگر تکنیکی بازار نفت هم با استفاده از ابزار نموداری و روند قیمت ها در گذشته اقدام به پیش بینی قیمتها در آینده خواهد نمود. البته باید توجه شود که این تکنیکها بیشتر برای مقاطع کوتاه مدت (لحظه ای تا روزانه) مورد استفاده قرار گرفته اند و در واقع ملاء عمل فعالان بازار بورس نفت برای خرید یا فروش می باشند. البته در برخی موارد هم از این تحلیلهای پیش بینی قیمتها در میان مدت و بلند مدت و برای پوشش ریسک و یا سفته بازی در بازار آتی ها استفاده می شوند.

همانگونه که ذکر شد برای پیش بینی بلند مدت در تحلیلهای تکنیکال از نمودارهای هفتگی، ماهیانه و یا سالانه استفاده می شود. در واقع تمام انواع نمودارهای روند، میانگین متحرک و سایر شاخصهای مورد استفاده در تحلیلهای کوتاه مدت (روزانه و کمتر از یک روز حتی لحظه ای) قابلیت کاربرد در بلند مدت را دارند و به عبارتی اساس تحلیل، تفاوتی نمی کند. به عنوان مثال تحلیلگر

تکنیکی در استفاده از خطوط روند برای پیش بینی قیمت نفت خام، با توجه به قیمت‌های ثبت شده سالانه (حداقل، حداکثر و میانگین قیمت در هر سال)، سعی می‌کند تا خط روندی را شناسایی کند که تماس بیشتری با نمودار قیمت‌های واقعی داشته باشد، طولانی تر باشد و شیب ملایمتری داشته باشد. البته تحلیلگر تکنیکی در پیش بینی بلند مدت، تنها به یک خط روند کفایت نمی‌کند و در طول دوره زمانی مورد بررسی خود چند خط روند با طول متفاوت شناسایی می‌کند و با توجه به آنها و احتمال تداوم و یا شکست هر یک از آنها اقدام به پیش بینی می‌نماید و از این طریق حد بالا و پائین (دالان قیمتی محتمل) قیمت‌ها را برآورد می‌کند و با توجه به مفاهیم خطوط مقاومت و حمایت، تحلیل خود را از روند آتی بازار در چند گزینه ارائه می‌دهد.

به عنوان نمونه تحلیل خطوط روند صورت گرفته توسط گروه مشاورین تحلیل تکنیکال شرکت ملی صادرات گاز ایران با توجه به شناسایی سه خط روند صعودی میان مدت ۱۲ ماهه، بلند مدت ۹ ساله و بلند مدت ۷۴ ساله روند آتی قیمت‌های نفت خام را به صورت زیر پیش بینی کرده است:

✓ **خط روند صعودی میان مدت ۱۲ ماهه با رشد هندسی ۴/۲٪ مانع از ریزش بیشتر قیمت در ۸۵ دلار می‌شود.**

✓ **خط روند صعودی ۹ ساله با رشد هندسی سالانه ۲۲/۲٪ مانع از ریزش بیشتر قیمت در ۶۸ دلار می‌شود. خط روند صعودی بلند مدت ۷۴ ساله با رشد هندسی ۴/۵٪ مانع از ریزش بیشتر قیمت در ۲۵ دلار می‌شود.**

✓ **شناسایی سه سطح حمایتی محکم در ۸۶/۶، ۷۸ و ۶۸ دلار و یک سطح مقاومت ۱۰۰ دلاری**

✓ **با وجود سطح مقاومتی ۱۰۰ دلاری، روند میان مدت و بلند مدت قیمت صعودی خواهد بود. اما در صورت کاهش قیمت در کوتاه مدت، انتظار می‌رود قیمت‌ها با برخورد با خط روند صعودی میان مدت خود در ۸۵ دلار به صعود خود ادامه دهند. در صورت شکسته شدن خط روند صعودی میان مدت، قیمت‌ها می‌توانند تا خط روند صعودی بلند مدت ۹ ساله در ۶۸ دلار نزول نمایند و پس از برخورد با این خط به روند صعودی بلند مدت خود ادامه دهند. همچنین در صورت بروز عواملی که منجر شود خط روند صعودی ۹ ساله به سمت پائین شکسته شود، سیگنال کاهش قیمت در بلند مدت صادر خواهد شد و قیمت نفت نهایتاً می‌تواند تا خط روند صعودی بلند مدت ۷۴ ساله در محدوده ۲۵ دلار کاهش یابد.**

بنابراین همانگونه که ملاحظه می‌شود، تحلیل‌های تکنیکی بازه ای از قیمت‌ها را در پیش روی فعالان بازار قرار می‌دهد که با توجه با میزان ریسک پذیری، اقدام به ورود و خروج به بازار بورس و معامله در این بازار و یا اقدام به معامله در بازار آتی‌ها برای پوشش ریسک خود نمایند، در واقع هدف غائی این نوع تحلیل‌ها برای استفاده در بازارهای کاغذی است. البته این نوع تحلیل‌ها قابلیت کاربرد توسط کشورهای صادر کننده نفت برای استفاده در برنامه های اقتصادی کشور و یا استفاده شرکت‌های بزرگ نفتی برای تصمیم گیری در خصوص میزان سرمایه گذاری آنها در مناطق مختلف را دارد. اما همانگونه که ملاحظه می‌شود گاهی دامنه پیش بینی های تکنیکی آنقدر بزرگ هستند که تصمیم گیری را دشوار می‌کنند، ضمن اینکه این نوع پیش بینی هم با توجه به نقاط ضعف موجود در تحلیل‌های تکنیکی دارای نااطمینانی هستند.

تحليل بنيادين و استفاده از تئوریهای اقتصادی

روش ديگر پيش بيني قيمت در بازار جهاني نفت خام استفاده از تحليل هاي بنيادين (عوامل مؤثر بر عرضه و تقاضا) است. بررسيها نشان مي دهد كه عوامل بسياري عرضه و تقاضاي جهاني نفت خام را تحت تأثير قرار مي دهند. اين عوامل توسط تحليلگران مختلف تحت عناوين مختلف دسته بندي شده اند كه در يك دسته بندي كلي مي توان آنها را در دو بخش كلي عوامل اقتصادي و غيراقتصادي تقسيم نمود.

الف (عوامل اقتصادي

قيمت نفت خام، همانند قيمت ساير کالاها تحت تأثير عرضه و تقاضاي بازار قرار دارد. از طرفي بايد توجه شود كه خود عرضه و تقاضا تابع عوامل مختلفی هستند كه مهمترين آنها عبارتند از:

الف-۱) عوامل مؤثر بر تقاضا: شامل وضعيت اقتصاد جهاني به طور كلي و وضعيت اقتصادي مناطق مختلف، روندهاي جمعيتي در مناطق مختلف جهان، شدت مصرف انرژی، جايگاه انرژیهای جایگزین در سبد انرژی جهان (به ویژه در بخشهای حمل و نقل و صنعت

الف-۲) عوامل مؤثر بر عرضه: شامل وضعيت حوزه هاي نفتی موجود، پتانسيل كشف حوزه‌های جديد نفتی به ویژه در آبهای عمیق، روند توليد و مصرف منابع نفت غير متعارف، انرژیهای جایگزین، میزان هزینه‌های سرمایه‌گذاري و تمايل سرمايه‌گذاران به سرمايه‌گذاري در هر يك از موارد مذکور

بنابراين همانگونه كه ملاحظه می شود، عوامل متعددی در تعيين قيمت نفت خام در بازار جهاني مؤثر هستند كه همگی آنها در پيش بيني قيمتها بايد در نظر گرفته شوند. به عبارتي پيش بيني قيمت نفت خام مستلزم پيش بيني چگونگی وضعيت هر يك از اين موارد است كه با توجه به اينكه هر يك از اين پيش بيني ها بر پايه فروض خاصی انجام می شود، لذا منشاء بروز نااطمينانيهای متعدد در پيش بيني قيمت نفت خام خواهند بود.

ب) عوامل غير اقتصادي:

از آنجا كه نفت يك كالای استراتژيك محسوب می شود، لذا قيمت آن نه تنها تحت تأثير عوامل اقتصادي قرار دارد بلكه تابع عوامل غير اقتصادي از جمله مسائل سياسي و امنيتي، خطرات ژئوپوليتيكي و عوامل روانی بازار قرار دارد. از آنجا كه وقوع اين عوامل غير قابل پيش بيني است، بنابراين نااطمينانيهای ناشی از اين عوامل به مراتب بيشتر از نااطمينانيهای مربوط به عوامل اقتصادي است.

بنابراين يك تحليلگر بنيادين با توجه به چگونگی تغييرات هر يك از عوامل مزبور اقدام به پيش بيني قيمت نفت خام مي نمايد و ميزان تأثيرگذاري هر يك از عوامل را هم از طريق برآورد معادله قيمت و تعيين ضرائب هر يك از عوامل ياد شده با استفاده از روشهاي مختلف اقتصادي (روشهاي اقتصاد

سنجی) و یا روشهای ریاضی (برنامه ریزی خطی) مشخص می نماید. باید توجه شود که پیش بینی قیمت از طریق معادلات مزبور با توجه به تعدد عوامل مؤثر بر قیمت نفت خام و با توجه به اینکه هر یک از این عوامل هم خود تحت تأثیر عوامل دیگری قرار دارند، با نااطمینانی مواجه است.

در حال حاضر مؤسسات و آژانسهای مختلف اقتصادی فعال در بازار انرژی نظیر آژانس بین المللی انرژی، اداره اطلاعات انرژی آمریکا، سازمان اوپک، مرکز مطالعات جهانی انرژی (CGES)، برخی مؤسسات بانکی مانند Goldman Sachs و ... دارای مدل های مختلفی برای پیش بینی قیمت نفت خام هستند که به صورت ماهانه، فصلی و سالانه قیمت های نفت خام را مورد پیش بینی قرار می دهند. گفتمنی است که مدل های مزبور مدل های اقتصادی بسیار پیچیده ای هستند که از یک سیستم معادلات با تعداد بسیاری معادله که نمایانگر کنش و واکنش های عوامل تأثیر گذار بر بازار نفت خام هستند، تشکیل شده اند. آنچه مهم است اینکه نتیجه این سیستم معادلات در قالب جداول قیمت در اختیار تحلیلگران و فعالان بازار نفت خام قرار می گیرد. جدول زیر نمایانگر نمونه ای از پیش بینی مراکز مختلف از قیمت نفت خام تا سال ۲۰۲۵ به قیمت های ثابت سال ۲۰۰۶ است. همانگونه که ملاحظه می شود پیش بینی مراکز مختلف از قیمت نفت خام با همدیگر متفاوت است که این موضوع خود نمایانگر نااطمینانی موجود در این پیش بینی ها است.

پیش بینی مؤسسات مختلف در سال ۲۰۰۸ از قیمت جهانی نفت خام تا سال ۲۰۲۵ به قیمت ثابت ۲۰۰۶

Source	2010	2015	2020	2025
AEO2007(Annual Energy Outlook) Reference case	59.21	51.37	53.61	58.07
AEO 2008 Reference case	74.03	59.58	59.70	64.49
GII(Global Insight, Incorporated)	68.25	61.4	54.8	48.2
IEA(reference scenario)	59.03	57.3	58.87	60.43
DB	56.65	60	66	72
SEER	69.41	58.85	60.83	62.88

Energy Information Administration / Annual Energy Outlook 2008

آنچه مهم است اینکه امروزه باور تحلیلگران بنیادین بازار نفت خام این است که با توجه به وجود شواهد ذیل، بازگشت قیمت ها به محدوده ۴۰ تا ۵۰ دلار هر بشکه بسیار بعید به نظر می رسد:

✓ رشد تقاضای نفت خام به ویژه از جانب کشورهای در حال توسعه چین و هند و عدم

تناسب رشد عرضه نفت خام با این رشد تقاضا به ویژه رشد عرضه غیر اوپک

✓ نبود ذخایر عظیم به مانند گذشته

✓ اهمیت یافتن ذخایر آبهای عمیق

✓ سنگین تر و ترش تر شدن نفت خام های اکتشافی جدید

✓ رویکرد استفاده از منابع غیرمتعارف نفتی چون شن های قیری، GTL و ...

✓ رویکرد استفاده از انرژی های جایگزین نفت

در واقع از سال ۲۰۰۲ میلادی که موضوع رشد شدید تقاضای نفت خام از سوی کشورهای در حال توسعه چین و هند در پی رشد فزاینده اقتصادی این کشورها مطرح شد، با توجه به محدودیت منابع نفت خام و در نتیجه افزایش رقابت برای دستیابی به این منابع محدود، امنیت انرژی جهان مورد تهدید قرار گرفته است. در بعد عرضه نیز، با توجه به رشد اندک تولید کشورهای غیر عضو اوپک و نزدیکی اغلب میادین آنها به نقطه اوج تولید و تمرکز قسمت عمده ذخایر نفت خام در کشورهای پریسک خاورمیانه‌ای، امنیت عرضه در مقایسه با گذشته آسیب‌پذیرتر شده است. ضمن اینکه طی سال‌های ۱۹۹۰ به بعد در قسمت عرضه نفت خام سرمایه‌گذاری قابل توجهی صورت نگرفته و در نتیجه ظرفیت تولید به تناسب رشد تقاضا افزایش نیافته و این موضوع هم خود، امنیت عرضه را تهدید می‌کند.

در هر صورت آنچه مسلم است، این است که طی سال‌های اخیر، ساختار بازار نفت خام دچار تغییرات اساسی شده و دیگر همانند دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ از ثبات و اطمینان قابل ملاحظه برخوردار نیست و تنها راه برون رفت از این وضعیت اتخاذ سیاست سرمایه‌گذاری در بخش‌های بالادستی و پائین دستی این صنعت است. به نظر می‌رسد که حجم سرمایه‌گذاری‌های مورد نیاز برای تحقق این هدف در مقایسه با گذشته به مراتب بیشتر خواهد بود و لذا تحقق این مهم به شدت به چشم‌انداز رشد تقاضا در آینده بستگی دارد. ضمن اینکه با توجه به ضرورت استفاده از تکنولوژی‌های بسیار پیشرفته و گران قیمت برای غلبه بر موارد مذکور به نظر می‌رسد که تحقق این هدف از طریق توجیه پذیری استفاده از این تکنولوژی‌ها جز در سایه قیمت‌های بالا برای نفت خام در میان مدت صورت نخواهد گرفت. به عبارتی اگرچه قیمت‌های پائین سال‌های گذشته منافع کوتاه‌مدتی برای مصرف‌کنندگان به همراه داشت، اما این قیمت‌ها به دلیل عدم تشویق سرمایه‌گذاران به سرمایه‌گذاری در صنعت نفت جهان، زمینه‌ساز پیدایش معضلی بسیار پیچیده و بلند مدت برای مصرف‌کنندگان شده است که کلید حل آن حاکمیت قیمت‌های بالا در میان مدت در بازار جهانی نفت خام است.

نتیجه گیری :

بررسی اجمالی انجام شده نشان می‌دهد که امروزه، تحلیلهای تکنیکی به یکی از ابزار اصلی پیش بینی قیمت نفت خام در بازارهای کاغذی نفت خام مبدل شده اند. این تحلیلهای ویژه در کوتاه مدت (طی يك روز و حتي براي معاملات لحظه اي) از اقبال ویژه ای میان بورس بازان برخوردار می باشند. بنابراین به نظر می‌رسد که تحلیلهای تکنیکی بیشتر توسط فعالان بورس برای کسب سود مورد استفاده قرار می‌گیرند. اما آنچه که مهم است اینکه این تحلیلهای می‌تواند بر روند آتی قیمت‌ها در بازار بورس تأثیر گذار باشند و از این طریق بازار فیزیکی را هم تحت تأثیر قرار دهند و این همان اتفاقی است که در چند سال اخیر به وضوح در بازار جهانی نفت خام رخ داده است.

موضوع دیگری که باید بدان توجه شود اینکه اصولاً هدف از پیش بینی قیمت چیست؟ از نظر دست اندر کاران بازار بورس هدف از پیش بینی قیمت کسب اطلاعاتی در خصوص زمان ورود و خروج به بازار سهام (خرید و فروش سهم) با هدف کسب سود بیشتر است. اما در دنیای واقعی سرمایه‌گذاری (همانند سرمایه‌گذاری فیزیکی در بخش‌های مختلف صنعت نفت)، صرف مطلع بودن از روند قیمت‌ها کافی نیست بلکه داشتن اطلاعات از عوامل مؤثر بر قیمت و به عبارتی عرضه و تقاضا نیز ضروری است. به عنوان مثال حتی در صورت اطمینان از افزایش قیمت‌ها در آینده اینکه سرمایه‌گذار در کدام

منطقه سرمایه گذاری نماید (به لحاظ استراتژیک، هزینه تمام شده و...) نیازمند داشتن اطلاعات خاص است. ضمن اینکه پیش بینی قیمت‌ها از دید کشورهای صادرکننده نفت خام که بخش عمده درآمد آنها از صادرات نفت خام تأمین می‌شود، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است زیرا آنها بر مبنای قیمت‌های نفت، برنامه‌های کوتاهمدت (در قالب بودجه‌های سالانه) و برنامه‌های بلندمدت اقتصادی خود را تنظیم می‌نمایند.

آنچه مهم است اینکه تمام انواع پیش‌بینی‌های نفت خام (تحلیلهای تکنیکال و بنیادین) با درجات مختلف عدم اطمینان مواجه هستند و به طور ۱۰۰ درصد قابل اتکا نیستند. در هر صورت بررسی‌ها نشان می‌دهد که در نهایت، جهت پیش‌بینی‌های بنیادین و تکنیکی در یک راستا هستند. بدین معنا که در حال حاضر با توجه به بروز شواهدی دال بر کمبود نفت خام در آینده و در نتیجه رویکرد استفاده از نفت خام‌های سنگین‌تر و غیر متعارف و نفت خام‌های آب‌های عمیق که هزینه تولید بسیار بالایی در مقایسه با نفت‌خام‌های سبک و در دسترس دهه‌های گذشته را دارند و همچنین رویکرد استفاده بیشتر از انرژی‌های جایگزین با هزینه‌های گزاف، تمام تحلیلهای بنیادین بر این باورند که بازگشت به نفت خام‌های حدود ۴۰ تا ۵۰ دلار در سال‌های آتی تقریباً غیر ممکن است. این در حالی است که تحلیلهای تکنیکی هم تقریباً این نظر را تأیید می‌نمایند.

منابع :

1. WWW.IIES.Org
2. Steven B.Achdlis, "Technical Analysis From A to Z", Secend Edition, 1995
۳. "بولتن روزانه بازار جهاني نفت"، مدیریت اموریین الملل، شرکت ملی نفت ایران
۴. گروه مشاورین تحلیل تکنیکال شرکت ملی صادرات گاز، "تحلیل تکنیکال نفت خام سبک برنت"، ۱۳۸۶
۵. فراهانی فر، کامیار، "تحلیل تکنیکال"، ۱۳۸۴
۶. درخشان، مسعود، مشتقات و مدیریت ریسک در بازارهای نفت، انتشارات مؤسسه مطالعات بین المللی انرژی، ۱۳۸۳
۷. پل هورسنل و رابرت ماپرو، "بازارها و قیمت های نفت، انتشارات مؤسسه مطالعات بین المللی انرژی، ۱۳۷۷